

سنت اندیشی: چارچوبی شناختی - هنجاری در هستی‌شناسی و روش‌شناسی نظام انقلابی

علیرضا افضلی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

یکی از آموزه‌هایی که به روشنی از آیات و روایات استنباط می‌شود و جایگاه مهمی را در جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلام به خود اختصاص داده است، آموزه سنن الهی است. سنن الهی قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین جاری می‌سازد. پدیده‌های جهان محکوم این قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند. به تعبیر دیگر، خداوند شیوه‌های معینی دارد که گردش امور هستی، هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌شود. در همین زمینه، پدیده‌های اجتماعی و تحولات مرتبط با آن، براساس یک سلسله قوانین ویژه و دقیق شکل می‌گیرند.

در مسیر کشف و استخراج سنن الهی و تبیین ماهیت و ویژگی‌های آنها، می‌توان به یک چارچوب شناختی و هنجاری ویژه از عالم خلقت به نام «سنت‌اندیشی» رسید. این چارچوب، تأثیرات مهم و جدی روی حوزه‌های علوم اجتماعی و همچنین بر مبانی آنها از جمله هستی‌شناسی و روش‌شناسی می‌گذارد. بدیهی است مبتنی بر این چارچوب و هستی‌شناسی و روش‌شناسی برآمده از آن، می‌توان به تبیین هرچه دقیق‌تر انقلاب اسلامی و گام طی شده و همچنین تبیین مسیر پیش روی آن پرداخت.

واژگان کلیدی

سنن الهی، سنت اندیشی، سنت پژوهی، روش‌شناسی، هستی‌شناسی، گام دوم انقلاب.



مقدمه

سنن الهی قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین جاری می‌سازد. پدیده‌های جهان محکوم این قوانین ثابت و سنت‌های تغییرناپذیر الهی هستند. به تعبیر دیگر، خداوند شیوه‌های معینی دارد که گردش امور هستی، هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌شود. خداوند متعال سرنوشت ملت‌ها را مبتنی بر سنت‌ها و قوانین ثابت و تغییرناپذیر خویش بنا نهاده است. در آیات گوناگونی از قرآن به مطالعه سنت‌های الهی و سرگذشت ملت‌های گذشته تأکید شده است، که خود ناظر بر جاری بودن آن سنت‌ها در همه اعصار و در میان تمام اقوام است. پدیده‌های اجتماعی و تحولات مرتبط با آنها، براساس یک سلسله قوانین ویژه شکل می‌گیرند. پیروزی و شکست، کامیابی، عزت و ذلت جوامع گوناگون بشری دارای حساب دقیق و منظمی است که با شناخت آن می‌توان بر جریان‌ها و پدیده‌های عصر حاضر آگاهی یافت و از آنها در جهت سعادت مردم بهره جست (بیاری، ۱۳۸۶).

قرآن اولین کتابی است که به سنت‌های الهی اشاره فرموده است و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار می‌ورزد. قرآن به شیوه‌ها و صورت‌های مختلف از این حقیقت سخن گفته است. در بسیاری از آیات، این مفهوم کلی را بیان کرده است که ضوابط و قوانینی بر عالم خلقت حاکم است؛ چنان که این حقیقت را در آیات دیگر، به صورت عرضه قوانین و بیان مصداق‌ها و نمونه‌هایی از آنچه در بستر تاری

خ می‌گذرد، بیان کرده است. در پاره‌ای از آیات دیگر، این حقیقت طوری بیان شده که نظریه‌ها با تطبیق‌ها در آمیخته است؛ یعنی مفهوم کلی را بیان کرده و در یک قالب دیگر، مصداق آن مفهوم را هم آورده است. در برخی آیات به مطالعه حوادث و اخبار گذشتگان ترغیب و تشویق می‌کند و همت‌ها را به سمت کشف و احصاء قوانین تاریخی متمایل می‌کند و می‌خواهد که در آن قانون را بیابند و برای یافتن آن، جزئیات را کاوش کنند.

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشته‌اند، اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سر بلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای



شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

حال نکته مهم و اساسی این است که چگونه می‌توان مسیر پیش‌روی گام دوم انقلاب را بهتر و با موفقیت هرچه بیشتر طی کرد. همان‌طور که ذکر شد، خداوند تدبیر خود را در عالم خلقت از مجرای سنن الهی جاری می‌سازد. سؤال این است: آیا می‌توان چارچوبی شناختی - هنجاری را برای تحلیل پدیده‌ها، براساس قوانین خلقت ارائه داد؟ آیا می‌توان از این چارچوب در تبیین گام دوم انقلاب استفاده کرد؟ چه دلالت‌هایی را می‌توان از این چارچوب، بر هستی‌شناسی و روش‌شناسی نظام انقلابی ارائه داد؟

در این مقاله برای پاسخ به سؤالات تحقیق، در ابتدا تبیین دقیق و جامعی از تعریف، انواع و ویژگی‌های سنن الهی ارائه خواهد شد. در ادامه، به ارائه چارچوب شناختی - هنجاری جدیدی مبتنی بر سنن الهی و دلالت‌های آن پرداخته می‌شود.

اگرچه پژوهش‌های زیادی در حوزه سنن الهی انجام شده است، با بررسی آنها سابقه‌ای برای این پژوهش پیدا نشد. پیشینه پژوهش حاکی از آن است که این موضوع در حد خود نو بوده، دارای نوآوری است. اهمیت این تحقیق بدین دلیل است که با ارائه چارچوب شناختی و هنجاری مبتنی بر سنن الهی می‌توان در جهت کاربرد و استفاده از سنن الهی در تبیین و تحلیل پدیده‌ها، گام مهمی برداشت که خود تأثیرات شگفتی در حوزه‌های دانشی و همچنین جریان حرکت انقلابی در مسیر تمدن‌سازی و تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

ادبیات تحقیق

۱. تعریف سنت

اگر بخواهیم در یک مطالعه قرآنی درباره واژه‌ای از واژه‌های قرآنی و یا یک موضوع از موضوعات قرآن کریم، تحقیق و بررسی داشته باشیم، ابتدا باید کاربردهای آن واژه را در قرآن کریم بررسی کنیم که آیا به صراحت به کار رفته است یا خیر، و در گام بعد، اگر به صراحت به کار رفته است، از لحاظ لغوی باید مورد بررسی قرار گیرد.

واژه «سنت» در قرآن در مجموع، ۱۶ بار در ۱۱ سوره از سوره‌های مکی و مدنی به کار رفته است. در برخی آیات این واژه به صورت مفرد، یعنی «سنته»^۱ و در برخی به صورت جمع

۱. الاسراء/۷۷، الاحزاب/۳۸، الاحزاب/۶۲، الفتح/۲۳، الحجر/۱۳، الکهف/۵۵، فاطر/۴۳، غافر/۸۵ و الانفال/۳۸.



مکسر، یعنی «سُنَن» به کار رفته است.^۱

ابن اثیر در معنای لغوی سنت می‌گوید: اصل معنای سنت، راه و روش است (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲: ۴۰۹). فیومی نیز سنت را به معنای راه و روش بیان کرده است؛ حال فرق نمی‌کند که این روش پسندیده باشد یا ناپسند (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۹۲). مصطفوی درباره معنای این واژه می‌گوید: اصل واحد در ماده فعلی «سَنَن»، جریان داشتن یک امر منضبط است؛ چه این جریان داشتن در ظهور صفت و یا عمل و یا یک کلام باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵: ۳۸۸).

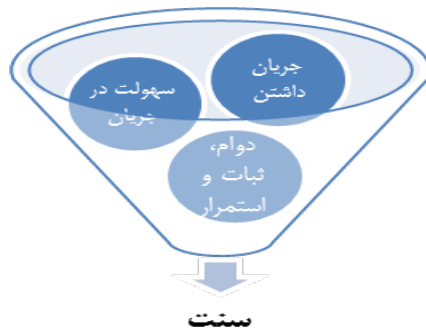
در جمع‌بندی معنای واژه سنت با توجه به منابع لغوی این‌گونه می‌توان گفت که در واژه «سنت» سه مؤلفه معنایی وجود دارد که از برجستگی خاصی برخوردارند:

الف) جریان داشتن و جاری بودن،

ب) سهولت در جریان،

ج) دوام، ثبات و استمرار.

به عبارتی، سنت چیزی است که جریان دارد، به سهولت جاری است و در عین حال، دوام و ثبات استمرار دارد. در نمودار ۱ رابطه بین مؤلفه‌های معنایی لغوی سنت نشان داده شده است.



نمودار ۱: رابطه بین سه مؤلفه معنایی لغوی سنت

علامه طباطبایی در تعریف این واژه ذیل آیه ۶۲ احزاب می‌گوید: سنت همان طریقه و روش معمول است که به اقتضای طبیعت خود، غالباً و یا به طور دائم جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۴۰). مرحوم طبرسی نیز در تعریف سنت در تفسیر خود می‌گوید: سنت طریقه و روشی است که در تدبیر حکم به کار می‌رود و منظور از سنت پیامبر، روش ایشان

۱. النساء/۲۶ و آل عمران/۱۳۷.

است که به امر خداوند جاری فرموده است که در نتیجه به ایشان نسبت داده می‌شود و روشی که یک یا دو بار انجام شود، سنت نامیده نمی‌شود؛ زیرا سنت به روش متداول و رایج اطلاق می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۸۱). شیخ طوسی نیز در تفسیر خود، شرط تکرار را در معنای سنت لحاظ کرده است و می‌گوید: اصل سنت عبارت است از راه و روش، و هر کس که کاری را یک یا دو بار انجام دهد، به آن سنت اطلاق نمی‌شود؛ زیرا سنت، روش معمول و رایج است و زمانی که کاری و یا عملی کم انجام شود، به آن روش رایج اطلاق نمی‌شود (طوسی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۶۲).

آیت‌الله مصباح «سنت الهی» را این‌گونه تعریف می‌کند: ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد و یا روش‌هایی که خداوند متعال، امور عالم و آدم را برپایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۵). شهید مطهری در تعریف «سنت الهی» می‌گوید: آنچه در اصطلاح فلسفه به نام نظام جهان و قانون اسباب خوانده می‌شود، در زبان دین «سنت الهی» نامیده می‌شود. پدیده‌های جهان محکوم یک سلسله قوانین و سنت‌های لا یتغیر الهی هستند و به تعبیر دیگر، خداوند در جهان، شیوه‌های معینی دارد که گردش کارها را هرگز بیرون از آن شیوه‌ها انجام نمی‌دهد. این سنت و قانون، چیزی نیست که آفرینش خاص و خلقت جداگانه‌ای به آن تعلق گیرد. قانون یک مفهوم کلی و انتزاعی ذهنی است و در خارج، به شکل کلیت و قانون بودن وجود ندارد. آنچه در خارج وجود دارد، همان نظام علت و معلول و درجات و مراتب وجود است که در ذهن ما تجرید می‌یابد، انتزاع می‌شود و به صورت قانون منعکس می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۰-۱۲۶).

در نهایت، با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی ذکر شده، تعریف مختار از سنت الهی در این مقاله این‌گونه است: «روش‌ها، رویه‌ها و قوانینی که خداوند بر عالم تکوین حاکم فرموده است، و برپایه همین قوانین و رویه‌ها، امور عالم و انسان را تدبیر و اداره می‌کند. این قوانین و رویه‌ها برحسب اقتضای خود استمرار داشته، غیر قابل تحویل و تبدیل است.»

سنت در این معنای وسیع، دربرگیرنده تمام موجودات، از جمله انسان و زندگی فردی و اجتماعی او می‌شود و بر هر موجودی، در هر زمان و تحت هر شرایطی، یک یا چند سنت خداوند حکومت می‌کند. سنن الهی، قوانین ثابت و مستمری است که حق تعالی بر جهان تکوین و بر انسان و جوامع انسانی حاکم کرده است و امور عالم و آدم را براساس آن



تدبیر و اداره می‌کند. خداوند متعال از طریق همین قوانینی که وضع کرده است، اراده خود را بر جهان محقق می‌سازد. به بیان دیگر، تحقق اراده الهی در عالم وجود از طریق همین قوانین ثابت، پایدار و مستمری است که از آن به عنوان سنن الهی یاد می‌شود. به گفته شهید صدر، «خداوند قدرتش را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند. این سنت‌ها و قوانین «اراده الله» اند و حکمت و تدبیر او را در عالم تجسم می‌بخشند» (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

۲. انواع سنن الهی؛ سنت‌های تکوینی و تشریحی

در مورد سنن الهی از دیدگاه‌های گوناگون، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی می‌توان ارائه داد. در اینجا با توجه به کاربرد سنن الهی در تبیین پدیده‌ها و برآورد رفتار آینده آنها، انواع سنن الهی ارائه می‌شود.

سنن الهی از حیث ماهیت به سنن تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شوند. سنت‌های تکوینی در عالم خلقت و تکوین قرار داده شده‌اند و بر آن حاکم هستند، وجه توصیفی دارند و از سنخ ایجاد، بیان‌کننده چگونگی عالم خلقت و نیز قوانین حاکم بر آن و نحوه جریان آنها هستند. سنت‌های تکوینی با هست‌ها و نیست‌ها بیان می‌شوند و در قالب توصیفات ارائه می‌گردند. این در حالی است که سنت‌های تشریحی، باید‌ها و نبایدها و الزاماتی هستند که خداوند در عالم، حاکم فرموده است و این دسته از سنن، از سنخ اعتبار هستند و در قالب الزامات و توصیه‌ها بیان می‌شوند. به عبارت دیگر، سنن تشریحی همان احکام، واجبات و محرماتی هستند که خداوند در حیات فردی و اجتماعی انسان حاکم فرموده است. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که بر انسان هر دو سنت حاکم است: انسان از یک‌سو، مانند سایر موجودات در این عالم هستی و تکوین قرار گرفته است و بخشی از عالم هستی محسوب می‌شود، لذا تحت قوانین و سنن عام تکوینی خداوند قرار دارد و از سوی دیگر، نسبت به سایر موجودات، جایگاهی ممتاز و ویژه دارد و براساس آیه ۷۲ سوره احزاب، قبول حمل امانت الهی کرده، لذا تحت قوانین تشریحی و باید‌ها و نبایدها قرار گرفته است.

گفتنی است سنت‌های تشریحی مبتنی بر سنت‌های تکوینی و منطبق با آنها بوده و در چارچوب آنها قرار می‌گیرند و نمی‌توان سنت‌های تشریحی را خارج از سنت‌های تکوینی لحاظ کرد. به بیان دیگر، سنن تشریحی، به شکلی طراحی شده‌اند که ما را در مجاری سنن



تکوینی قرار می‌دهند. در واقع، قوانین و دستورات تشریحی برگرفته از همان حقایق، روابط و نظاماتی است که در عالم تکوین وجود دارد و علم به آنها، ما را با آن نظام هماهنگ کرده و به سوی دار قرار و سرمنزله مقصود رهنمون می‌کند. می‌توان گفت سنن تکوینی اصل هستند و بیانگر ماهیت بوده، چارچوب را مشخص می‌کنند؛ در حالی که سنن تشریحی بر سنن تکوینی قرار گرفته و بیانگر چگونگی حرکت و کیفیت آن هستند. برای مثال، می‌توان به آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره/۲۷۶) (یعنی خداوند ربا را تباہ می‌سازد و صدقات را افزون می‌کند) اشاره کرد که یک سنن تکوینی است و مبتنی بر این سنن تکوینی، سنن تشریحی «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره/۲۷۵) (خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است) جاری است.

لازم به ذکر است که با توجه به تعریف مختار از سنن در این مقاله، در اینجا طبیعتاً سنن تکوینی مدنظر هستند. البته قوانین تشریحی خداوند اگر هم عنوان سنن بر آنها اطلاق نشود، از اهمیتی ویژه برخوردارند. این بایدها و نبایدها، چارچوبی ارائه می‌کنند که تکمیل‌کننده نظام سنن تکوینی بوده، در نظام‌سازی و تمدن‌سازی و به‌ویژه در شکل‌دهی علوم انسانی - اسلامی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا اهمیت قوانین تشریحی قابل چشم‌پوشی نیست.

از آنجایی که سنن تکوینی، محور بحث در این تحقیق قرار گرفته است، در ادامه، انواع سنن تکوینی ارائه می‌شود:

۱ انواع سنن‌های تکوینی

الف) سنن‌های دنیوی و اخروی

سنن تکوینی از حیث قلمرو، وسعت، دامنه و عوالمی که این سنن در آن جاری هستند، به سنن‌های دنیوی و سنن‌های اخروی تقسیم می‌شوند. این تقسیم بدین علت است که برخی از سنن فقط در دنیا جاری هستند (مانند سنن استدراج (اعراف/۱۸۲))، برخی فقط در آخرت (مانند سنن شفاعت (مریم/۸۷)) و برخی هم در دنیا جاری هستند و هم در آخرت (مانند سنن جزا و پاداش (آل عمران/۱۴۸)). لذا از لحاظ عالمی که این سنن در آن جاری هستند، می‌توان از تقسیم سنن‌ها به دنیوی و اخروی سخن گفت.

ب) سنت‌های مطلق و مقید

سنت‌های تکوینی به این اعتبار که در جریان سنت، فعل انسان دخالت دارد یا خیر، به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. سنت‌های مطلق (غیرمشروط) مسبوق به اراده، فعل و انتخاب انسان نیستند. به عبارت دیگر، در این سنت‌ها، رفتار و اختیار انسان در جریان و یا عدم جریان سنت دخالت ندارد و تحقق این دسته از سنن، منوط به فعل انسان و یا عدم آن نیست (مانند سنت استخلاف خاص (نور/۵۵)). در مقابل، سنت‌های مقید (مشروط) سنت‌هایی هستند که به اراده و فعل اختیاری انسان بستگی دارند و براساس اراده، فعل، اختیار و انتخاب انسان تحقق می‌یابند؛ یعنی این نوع سنن، متناسب با فعل انسان بوده، براساس رفتار انسان و یا جامعه انسانی جاری و ساری است (مانند سنت یاری (محمد/۷)). می‌توان برای فهم بهتر سنن مقید، آنها را در قالب p آن‌گاه q نشان داد؛ بدین صورت که هرگاه در سنن مقید، به انتخاب و اختیار انسان، p تحقق یابد، به دنبال آن q تحقق خواهد یافت و امکان ندارد که برای مثال q تحقق یابد.

ج) سنت‌های مرتبط با انسان و سنت‌های مرتبط با غیر انسان

سنت‌های تکوینی از حیث مخاطب و مورد سنت، به سنت‌های مرتبط با انسان و مرتبط با غیرانسان تقسیم می‌شوند. سنت‌های مرتبط با انسان، داخل در ساحات انسانی بوده، بر روی انسان و جوامع انسانی جاری هستند. این دسته از سنن خود نیز به سنت‌های فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. به عبارت دیگر، یک دسته از این سنن، مربوط به حیات فردی انسان بوده، در مقیاس فردی جاری هستند (مانند سنت ابتلاء (عنکبوت/۲))؛ و دسته دیگر مربوط به حیات جمعی انسان‌ها بوده، در مقیاس اجتماعی جریان دارند (مانند سنت اجل مسمی در مورد امت‌ها (اعراف/۳۴)).

سنت‌های مرتبط با غیر انسان، مربوط به جهان خلقت بوده، متعلق آنها، انسان و جوامع انسانی نیستند و خارج از ساحات انسانی قرار دارند. برای مثال، می‌توان به سنت «تسخیر موجودات برای انسان» (جاثیه/۱۳) اشاره کرد.

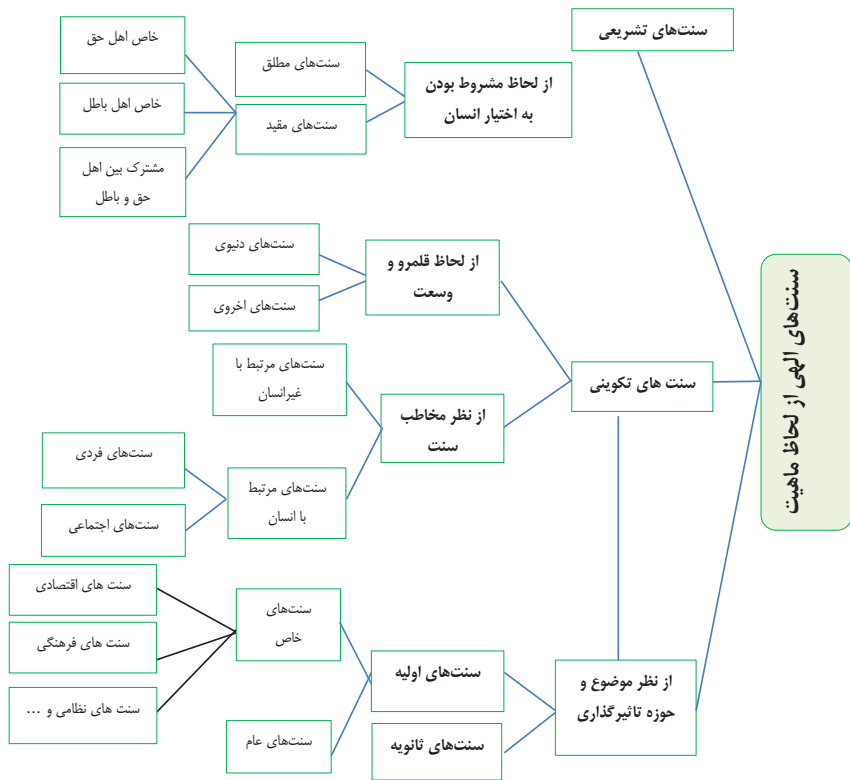


د) سنت‌های اولیه و سنت‌های ثانویه

سنت‌های تکوینی از حیث موضوع آن و حوزه تأثیرگذاری، به دو دسته سنت‌های اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. به عبارت دیگر، گاهی موضوع آیات ناظر بر سنت، مصادیق و موضوعات مختلفی است که خود به دو دسته عرصه‌های خاص و عام تقسیم می‌شود. عرصه‌های خاص نیز خود شامل موضوعات مختلف از جمله، موضوع اقتصادی مانند سنت «رزق»، موضوع فرهنگی و تربیتی مانند سنت «هدایت»، موضوع نظامی مانند سنت «باری» و موضوعاتی دیگر از این قبیل می‌شود. اما سنن مرتبط با عرصه عام، شامل سننی می‌شود که در تمام مصادیق و موضوعات می‌تواند دخالت داشته و مورد ابتلا قرار گیرد، مانند سنت «تسخیر».

اما گاهی هم موضوع آیات حامل سنت، خود سنت است. به بیان دیگر، آیات سنت گاهی شناخت درجه یک از سنت به ما می‌دهند؛ یعنی بیان می‌کنند که میان رفتار اجتماعی خاص به عنوان یک پدیده و پیامدهای خاص اجتماعی به عنوان پدیده دیگر، ارتباط علی و معلولی وجود دارد. گاهی هم آیات سنت، شناخت درجه دوم از سنت در اختیار ما قرار می‌دهند؛ یعنی مشخص می‌کنند که سنت چیست، چه خصوصیتی دارد، گستره سنت از حیث قلمرو تأثیر، تا چه اندازه است، که این هم به لحاظ قانون عام، در قرآن از آن یاد شده است. اما تفاوت آن در این است که نگاه در این نوع سنت، یک نگاه مبنایی است و نه مصداقی.

در این تحقیق، به سنت ناظر بر دسته اول، اصطلاح «سنت اولیه» و به سنت ناظر بر دسته دوم، اصطلاح «سنت ثانویه» اطلاق شده است. در نمودار ۲، تقسیم‌بندی‌های مختلف از سنن الهی ارائه شده است.



نمودار ۲: انواع سنن الهی

۳. ویژگی‌های سنن الهی

یکی از مباحث مهم در سنن الهی که تأثیرات بسیار مهم و جدی در جنبه استفاده و کاربرد سنن الهی در حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه در تبیین پدیده‌ها و برآورد و تخمین آینده آنها خواهد گذاشت، ویژگی‌های سنن الهی است. اهمیت این بحث بدان دلیل است که اگر بتوان این ویژگی‌ها را به عنوان قوانین عام حاکم بر سنن الهی و به عنوان سنت‌های ثانویه اثبات و به دنبال آن، آنها را به دقت و به صورت مستدل تبیین کرد، آن وقت می‌توان در مورد کارکرد سنن الهی در زمینه‌های مختلف علمی بحث کرد.

سنن الهی ویژگی‌هایی دارند که به دو دسته عام و خاص قابل تقسیم است. بررسی ویژگی‌ها و شناخت خصوصیت‌های خاص هر یک از این سنت‌ها، اگرچه ضروری است،



ولی در اینجا مورد بحث قرار نخواهد گرفت. در این بخش، شناخت ویژگی‌های مشترک سنن الهی، به عنوان قواعد کلی حاکم بر سنت‌ها مدنظر است. در آیات قرآن کریم برخی از این ویژگی‌های عام، تصریح شده و برخی دیگر از تعریف و موارد استعمال سنت‌ها قابل فهم است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنن الهی اشاره می‌شود.

الف) الهی و ربانی بودن سنن

مطابق تصریح آیات قرآن کریم، اولین ویژگی برجسته سنن الهی، خدایی بودن این سنت‌هاست. این سنن، هویت و موجودیت خود را از خداوند می‌گیرند؛ یعنی وضع این قوانین و جاری شدن و برطرف شدن آنها، به دست خداوند است. این قوانین، «سنه الله» (احزاب/۳۸) و به عبارت دیگر «کلمات الله» (انعام/۳۴) هستند.

البته این ویژگی الهی بودن سنن، به معنای نفی قانون علیت و رابطه بین علت و معلول نیست. قرآن وجود روابط علت - معلولی منظم و متقن در بین حوادث تاریخی این عالم را پذیرفته است، ولی می‌فرماید این روابط، تعبیری از حکمت خداوند و حسن تدبیر او در ساختمان جهان هستند. به عبارت دیگر، سنن الهی از طرفی، به خداوند نسبت پیدا می‌کنند و از طرف دیگر، در یک چارچوب علی-معلولی تحقق می‌یابند که قابل بررسی بوده، می‌توان بر همین مبنا و رابطه، پدیده‌های گوناگون را مورد بررسی قرار داد و توجیه کرد. به عبارتی، این سنت‌ها به نحو دقیقی در قالب علت و معلول و سبب و مسبب در قرآن بیان می‌شوند تا قطعیت تحقق آنها از یک طرف، و شرایط تحقق‌شان از طرف دیگر، و دخالت انسان در جاری کردن آنها از بعدی دیگر، مورد توجه قرار گیرد. تأکید قرآن بر الهی بودن سنت‌ها و خصوصیت غیبی داشتن آنها، برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداوند است (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۴ و ۱۶۵). خدای متعال برای آنکه بینش و گرایش الهی و توحیدی بندگان را تقویت و تحکیم کند، در قرآن کریم، افعال و انفعالات و کنش‌ها و واکنش‌های طبیعی و پدیده‌های مادی را که براساس روابط علی معلولی جاری است، به خود نسبت می‌دهد. در همین زمینه، پدیده‌های انسانی اعم از فردی و اجتماعی را نیز به خود نسبت می‌دهد تا توحید افعالی را تبیین کند.



ب) عدم تنافی سنن الهی با اختیار و اراده انسان

یکی از مواردی که به عنوان ویژگی مشترک سنن الهی در منابع مختلف ذکر شده است (رک: مرادخانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶)، نبود تنافی بین سنن الهی و اختیار و اراده انسان است. این بحث بدین دلیل است که سنت‌های الهی پندار نادرستی را به وجود آورده‌اند که خلاصه‌اش وجود یک نوع تعارض و ضدیت بین آزادی انسان و سنت‌های تاریخ است. به عبارت دیگر، اگر ما سنت‌های الهی را بپذیریم، باید اراده و اختیار انسان را منکر شویم و هرگاه انسان را موجودی مختار و با اراده بدانیم، مجبوریم که زیر بار سنت‌های الهی نرفته، هرگونه قانون ثابتی را در این مورد رد کنیم. لذا وقتی که بحث از وجود سنت‌های الهی و جریان داشتن آنها در عالم خلقت می‌شود، ضرورت دارد که جایگاه اراده و اختیار انسان در تعامل با سنن و دخالت او در جریان پیدا کردن سنن الهی نیز تبیین شود.

در پاسخ می‌گوییم که با توجه به ویژگی اول، اگر چه تعبیری مانند «سنه الله» و «سنتنا»، وجود دارد، اما از طرف دیگر، تعبیری مانند «فَفَسَّقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا» (اسراء/۱۶) و یا «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶) و یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) نیز در قرآن آمده است که به صراحت، بر اختیار انسان تأکید دارد. اگر چه با توجه به ویژگی اول، سنن الهی، هویت و موجودیت خود را از خداوند می‌گیرند؛ اما از طرف دیگر، این سنن الهی به واسطه انسان جاری می‌شوند، به نحوی که تا انسان، شرط را به شکل اختیاری تحقق ندهد، آن سنت جریان نمی‌یابد. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که با اختیار و اراده خویش، زمینه اجرای سنت‌های الهی را فراهم می‌کنند و خود را مشمول این و یا آن سنت می‌سازند. به تعبیر شهید صدر، سنن الهی از زیر دست انسان می‌گذرند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۶۸). بنابراین، انتخاب انسان در ترسیمی که قرآن نسبت به سنت‌های الهی دارد، نقش اساسی را ایفا می‌کند و انسان نمی‌تواند در جاری شدن آنها نقش مثبت نداشته و اراده، اختیار و انتخاب خود را در آن بی‌تأثیر بداند؛ بلکه هر چه بیشتر مسئولیت او را در میدان حوادث تاریخ نشان می‌دهد. سنت‌های الهی نه تنها اراده انسان را محدود نمی‌کنند، بلکه اساساً کارکرد سنن الهی، تجلی اراده و اختیارات انسانی است که به نوعی، تجلی «خلافت الهی» به شمار می‌رود.

البته عدم وجود تنافی بین جاری شدن سنن الهی با اختیار و اراده انسان، بدین معنا نیست



که در جاری شدن تمام سنن الهی، همه چیز در اختیار انسان است. انسان نمی‌تواند در جاری شدن انواع سنن الهی نقش داشته باشد؛ بلکه باید در دخالت داشتن اختیار انسان در جاری شدن سنن الهی، بین انواع آن تفصیل قائل شد. همان‌طور که در انواع سنن ذکر شد، سنن الهی به دو نوع مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. در تحقق سنن مطلق، اختیار انسان دخالت ندارد. به عبارت دیگر، تحقق سنن مطلق، مشروط به اراده و انتخاب انسان نیست و در اینجا اختیار انسان کارایی ندارد و برای حالت جبر برقرار است. برای مثال، می‌توان به سنت «اجل مقدر» برای انسان و جوامع اشاره کرد که جزو سنن مطلق است و اختیار انسان در رفع آن دخالتی ندارد، بلکه فقط می‌تواند با توجه به عمل خود، زمان آن را جابه‌جا کند. اما سنن مقید همان‌طور که ذکر شد، مشروط به اختیار و انتخاب انسان هستند و انسان باید شرط (p) را تحقق دهد تا به دنبال آن جزا (q) تحقق یابد. در این دسته از سنن، تا زمانی که انسان p را انتخاب نکرده و آن را محقق نساخته است، اختیار دارد که آن را تحقق دهد و یا آن را انجام ندهد و \bar{p} را انتخاب کند. اما زمانی که p را انتخاب کند، q به دنبال آن تحقق پیدا می‌کند و در تحقق آن هیچ اختیاری وجود ندارد؛ مگر آنکه در مسیر تحقق پیدا کردن q ، اختیار و انتخاب انسان لحاظ شده باشد که در این صورت، می‌تواند در تحقق آن، اختیار و انتخاب خود را دخالت داده، جاری شدن q را تحقق بخشد. لذا می‌بینیم که اختیار و انتخاب انسان در تحقق یافتن برخی از سنن و چگونگی تحقق آنها دخالت دارد و نه در همه سنن الهی.

البته به طریق دیگری نیز می‌توان نبود تنافی بین سنن الهی با اختیار انسان را تبیین کرد، اختیار انسان، خود سنتی جاری از طرف خداوند است و اینکه انسان از انتخاب آگاهانه و اختیار و آزادی برخوردار باشد، خود یکی از سنت‌های عام الهی در مورد انسان است. این سنت، با سایر سنن الهی در تعامل بوده، سایر سنت‌های مشروط خداوند، تحت تأثیر این سنت قرار دارند و این سنت پیش‌شرط آنها و مقدمه جاری شدن آنهاست. لذا هیچ تنافی بین این سنت و سایر سنن الهی وجود نخواهد داشت. تأکید آیات متعدد قرآن بر سیر در روی زمین و عبرت گرفتن از سنت‌هایی که در مورد اقوام گذشته اتفاق افتاده است (آل عمران/۱۳۷) نیز دلیل بر وجود اختیار و عدم اجبار در جاری شدن این سنن است و اختیار انسان در تعامل با سنن دیگر را نشان می‌دهد.



ج) عمومیت داشتن سنن الهی و استمرار آنها

عمومیت داشتن سنن الهی بدین معنی است که این سنن، اختصاص به قوم خاصی ندارد، بلکه سنت‌ها تکرارپذیر هستند و استمرار داشته، شامل همه ملت‌ها و اقوام و همه زمان‌ها می‌شوند و در هر زمانی که شرایط یک سنت فراهم شود، اجرای آن سنت حتمی است. در حقیقت، این ویژگی، به دو خصوصیت سنن الهی اشاره دارد: عام بودن این سنن و شمولیت آن و عدم اختصاص آنها به قوم خاص؛ استمرار داشتن جریان آنها در همه زمان‌ها و عدم اختصاص آنها به زمانی خاص. از آیات آل عمران/ ۱۳۷، عنکبوت/ ۲ و یونس/ ۱۰۲ این نکته فهمیده می‌شود که تمام امت‌هایی که قبل از شما زندگی می‌کردند، سنت‌های الهی در مورد آنها جاری شده است و به‌طور قطع، در مورد شما هم پیاده خواهد شد و هیچ تخریفی در اجرای آنها صورت نخواهد گرفت. در جای دیگر، به شدت به کسانی که تصور می‌کنند و یا طمع آن را دارند که از سنت‌های تاریخ مستثنی باشند، حمله می‌کند و می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره/ ۲۱۴) آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند، گفتند: «یاری خدا کی خواهد بود؟» آگاه باشید، که پیروزی خدا نزدیک است.

در حقیقت ویژگی عمومیت و استمرار، مقوم سنت است، به نحوی که اگر یک سنت از این ویژگی برخوردار نباشد، نمی‌توان آن را سنت و قانون نامید. همان‌طور که در تعریف شهید مطهری گذشت، سنت چیزی جز یک رابطه‌ای علی - معلولی نیست و زمانی به یک قانون، سنت اطلاق می‌شود که استمرار داشته باشد. حال، زمانی که علت‌ها تحقق پیدا کنند، معلول‌های آنها نیز به دنبال آنها، تحقق پیدا خواهند کرد و این به قوم و ملت خاصی اختصاص ندارد و استثنابردار هم نخواهد بود و استمرار داشته و در تمام زمان‌ها جاری خواهد بود. در واقع، سنت‌های الهی از آن جهت که به صورت رابطه‌ای علی - معلولی و قوانین ثابت تاریخی درآمده‌اند، با پیدایش موجبات خود، آثار و لوازم خود را به دنبال می‌آورند و این رابطه سبب و مسببی دائمی است.



در روایات زیادی بر عمومیت داشتن سنت‌های الهی و همگانی بودن آنها، تصریح شده است. برای نمونه به چند روایت ذیل اشاره می‌شود:

۱. عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنُّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي غَيْبَاتِهِمْ وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أَيْ سُنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۱).

سدیر از پدرش از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: قائم ما غیبتی دارد که زمان آن طولانی خواهد شد. عرض کردم: چرا؟ فرمودند: زیرا خداوند عز و جل می‌خواهد تمام سنت‌های انبیای گذشته در موضوع غیبت، در مورد مهدی (علیه‌السلام) اتفاق افتد و چاره‌ای نیست از آنکه تمام زمان غیبت‌های انبیای گذشته در مورد مهدی (علیه‌السلام) اتفاق افتد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «قطعاً شما حالات و منازلی را پشت سر می‌گذارید»، که منظور آن است که سنن کسانی که قبل از شما بودند، در مورد شما نیز اتفاق می‌افتد.

۲. روى عن الصادق (عليه السلام)، فى معنى «التَّركِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، «سنن من كان قبلكم من الأولين وأحوالهم»، و المعنى أنه يكون فيكم ما كان فيهم و يجرى عليكم ما جرى عليهم حذو القذة بالقذة (طبرسى، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۰۲).

طبرسى از امام صادق (علیه‌السلام) در معنی آیه ۱۹ انشقاق، نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: منظور آیه آن است که سنت‌هایی که در مورد گذشتگان قبل از شما و احوالات آنها جاری شده است، در مورد شما هم دقیقاً جاری خواهد شد.

۳. الطبرسى فى (الاحتجاج): عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قوله تعالى: لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ: «أى لتسلكن سبيل من كان قبلكم من الأمم فى الغدر بالأوصياء بعد الأنبياء» (بحرانی، ۱۴۲۸، ج ۵، ۶۲۰).

طبرسى روایتی را نیز از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در مورد آیه ۱۹ انشقاق نقل می‌کند که حضرت فرمودند: مسیری را که گذشتگان قبل از شما در مکر کردن نسبت به اوصیای بعد از پیامبران پیموده‌اند، شما نیز قطعاً طی خواهید کرد.



۴. امیرالمؤمنین علیه السلام: «أَمَّا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيًّا» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۷۲): امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: آگاه باشید که هر قومی، سامری‌ای دارد. با دقت در این روایات و آیاتی که ذکر شد، این نکته به دقت و صراحت فهمیده می‌شود که سنن الهی، عام بوده، اختصاص به یک قوم و امت خاص ندارد. حتی سامری‌ای که در قوم بنی‌اسرائیل بروز پیدا کرد و آشکار شد، نیز به آن قوم اختصاص ندارد و هر قومی برای خود سامری‌ای دارد. این روایت نشان می‌دهد که حتی بروز سامری نیز از سنن الهی به شمار می‌رود.

د) ثابت بودن و تغییرناپذیر بودن سنن الهی

علاوه بر شمولیت و عمومیت سنت‌های الهی، اجرای سنت‌های الهی نیز دستخوش تبدیل و تغییر نخواهد شد. دو احتمال [نشدنی] در مقابل قطعیت اجرای سنن الهی وجود دارد: یکی آن که یک سنت به سنت دیگری تبدیل شود و دیگر آنکه خداوند سنتی را از قومی به قوم دیگر برگرداند و مثلاً عذابی را که برای عده‌ای مقرر شده است، بر گروه دیگری نازل نماید. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر/۴۳): هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌فرماید: «تبدیل سنت خداوند به این است که عذاب خداوند را بردارند و به جایش نعمت و رفاه بگذارند (یعنی عذاب به ضدش تبدیل شود) و تحویل سنت، عبارت است از آنکه عذاب قومی را که مستحق آن می‌باشند، به سوی قوم دیگری برگردانند (که آنها مستحق این عذاب نیستند): در حالی که سنت خداوند نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل؛ زیرا خداوند بر صراط مستقیم قرار دارد و حکم او نه تبعیض دارد و نه استثناء» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۸۳). می‌توان گفت تبدیل، دگرگون کردن قانون و تحویل، دخالت در تطبیق قانون است. به عبارت دیگر، طبق سنن مشروط، عدم تبدیل یعنی آنکه اگر p تحقق پیدا کند، امکان ندارد که به جای q، q تحقق پیدا کند و عدم تحویل آن بدین معناست که اگر p تحقق پیدا کند، امکان ندارد که q آن نصیب کسی دیگر شود.

در نتیجه باید گفت سنن الهی تغییرناپذیرند و هیچ نوع تحولی در آنها اتفاق نمی‌افتد. علت آن را این‌گونه می‌توان تفسیر کرد که اساساً تبدیل و تحویل در سنن الهی از حیث انتساب به



فاعل، یا [نفوذ بالله] معلول جهل خداوند متعال است و یا معلول عجز و ناتوانی خداوند؛ و از آنجا که این دو صفت، دلالت بر نقصان دارند، در حالی که خداوند عاری از هر گونه نقصی است و می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره/۲۳۱) و «إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» (هود/۱۰۷)؛ لذا نمی‌توان تغییر و تبدیل در سنن الهی را پذیرفت.

از دیدگاه فلاسفه نیز، چون سنن الهی، در قالب نظام علت و معلول تعریف می‌شود و از آنجایی که تصور نمی‌شود معلولی از علت خود تخلف کند و یا به عبارت دیگر، امکان ندارد که علتی، موقعیت خاص خود را به دیگری بسپارد و یا معلولی از جای خود نقل مکان کند، لذا این‌گونه تعبیر می‌شود که تبدیل و تغییر در سنن الهی محال است. بنابراین، سنت الهی یک قرارداد و اعتبار نیست که قابل تغییر باشد، بلکه از چگونگی هستی اشیا انتزاع شده است و بیان‌کننده حقیقت است. در نتیجه، امکان تغییر و تحول در آن وجود ندارد.

در اینجا این سؤالات ممکن است مطرح شود: آیا قوانین آفرینش و سنن الهی استثناپذیر هستند؟ آیا معجزه و کارهای خارق‌العاده، استثنا در قوانین آفرینش نیست؟

شهید مطهری این‌گونه پاسخ می‌دهد: پاسخ هر دو مورد منفی است؛ قوانین آفرینش استثناپذیر نیستند و کارهای خارق‌العاده نیز استثنا در قوانین آفرینش محسوب نمی‌شوند. اگر تغییراتی در سنت‌های جهان مشاهده می‌شود، آن تغییرات، معلول تغییر شرایط است و بدیهی است که هر سنتی در شرایط خاص جاری است و با تغییر شرایط، سنتی دیگر جریان می‌یابد و آن سنت نیز در شرایط خاص خود کلیت دارد. پس تغییر قانون و سنت، به حکم قانون و سنت است، ولی نه به این معنا که قانونی به حکم قانونی نسخ می‌شود؛ بلکه به این معنا که شرایط یک قانون تغییر می‌کند و شرایط جدید به وجود می‌آید و در شرایط جدید، قانون جدید حکم‌فرما می‌شود. در جهان جز قانون، سنت و ناموس‌های لایتغیر وجود ندارد. اگر مرده‌ای به طور اعجاز زنده می‌شود، آن خود حساب و قانونی دارد. بشر همه سنت‌ها و قانون‌های آفرینش را نمی‌شناسد و همین که چیزی را برضد قانون و سنتی که خود، آگاهی دارد، در نظر می‌گیرد، می‌پندارد که مطلقاً برخلاف قانون و سنت است، استثنا هست و نقض قانون علیت است؛ در حالی که در بسیاری از موارد هم، آنچه را که به عنوان قانون می‌شناسد، قشر قانون است، نه قانون واقعی. معنای معجزه نیز، بی‌قانون بودن و یا فوق قانون بودن نیست (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۲-۱۳۰). در نتیجه، این‌گونه می‌توان گفت که حتی



معجزه نیز در چارچوب قوانین الهی در جریان است. اما هر مقدار که شناخت انسان نسبت به این قوانین بیشتر باشد، به شکل کامل تر و جامع تری می تواند از این قوانین استفاده کرده، در آنها نفوذ کند. طبیعتاً معصومین (علیهم السلام) نیز با توجه به احاطه جامع تر و کامل تری که نسبت به این قوانین دارند، می توانند کارهایی را انجام دهند که از نظر عموم مردم، خلاف قانون است؛ در حالی که خرق عادت بوده و نه خلاف قانون.

ه) حتمی و قطعی بودن تحقق سنن الهی

از لوازم ویژگی تغییرناپذیر بودن سنن الهی، حتمی بودن و قطعی بودن سنن الهی است؛ بدین معنا که سنن الهی، در صورتی که شرایط آنها تحقق پیدا کند، حتماً جاری خواهند شد و خداوند حتماً سنن و قوانینش را در عالم خلقت جاری خواهد فرمود و این سنن، تخلف ناپذیرند.

آیاتی که بر تخلف ناپذیری سنن الهی و حتمی بودن تحقق آنها دلالت دارند، به چند دسته تقسیم می شوند:

اول، آیاتی که بیان می کنند که اگر زمان تحقق سنتی فرارسد و شرایط تحقق آن مهیا شود، هیچ تأخیری در تحقق آن صورت نخواهد گرفت و هیچ تخلفی در آن اتفاق نخواهد افتاد، مانند: اعراف/۳۴ و مومنون/۴۳.

دوم، آیاتی که با صراحت، تخلف در وعده خداوند و سنن الهی را رد می کنند؛ مانند: رعد/۳۱ و آل عمران/۱۹۴.

سوم، آیاتی که به کسانی که انتظار می کشند تا سنتها در مورد آنها تخلف کرده، جاری نشود، هشدار می دهد که هیچ تخلفی صورت نخواهد گرفت، مانند: بقره/۲۱۴ و بقره/۸۰. چهارم، آیاتی که در آنها تصریح می کند که شوکت، قدرت، آبادانی و سایر امور دنیوی نمی تواند مانع جریان سنن الهی شود، مانند: روم/۹، مریم/۷۴ و ق/۳۶.

این آیات به خوبی نشان می دهند که سنن الهی تخلف ناپذیرند و در زمانی که شرایط تحقق سنن مهیا شده باشد، تحقق آنها قطعی خواهد بود و هیچ تخلفی در آن صورت نخواهد گرفت. ممکن است گفته شود با اینکه تحقق سنن الهی حتمی و قطعی است، ولی در پاره ای از موارد مشاهده می شود که این حتمیت و قطعیت اتفاق نیفتاده است. برای نمونه می توان



به جریان قوم حضرت یونس (علیه‌السلام) اشاره کرد که آنها به واسطه گناه مستحق عذاب شده بودند، ولی عذابی بر آنها نازل نشد و به واسطه توبه مورد عفو قرار گرفتند (یونس/۹۸). همچنین ممکن است قومی به دنبال گناه، از نعمت برخوردار شوند که به نظر می‌رسد در این موارد تخلف صورت گرفته است. در جواب این‌گونه بیان می‌شود که این موارد ذکرشده به معنای تخلف‌پذیری سنن نیست، بلکه در چنین مواردی، گرچه مقتضی و شرایط موجود است، اما مانع نیز وجود دارد و طبق قانون علیت، در صورت ناقص بودن اجزا و شرایط علت تامه، معلول تحقق پیدا نخواهد کرد. از موانعی که به صورت سنت الهی مطرح است، سنت عفو خداوند است که با جریان این سنت، جریان سنت عذاب با مانع روبه‌رو می‌شود و در واقع، در صورت توبه گناهکاران، سنت عفو الهی بر سنت عذاب حاکم می‌شود و عذاب جریان پیدا نمی‌کند. همچنین می‌توان به سنت استدراج و امهال اشاره کرد که ممکن است حاکم بر سنت عذاب، و مانع جریان آن شود و لذا قومی بعد از گناه، از نعمت برخوردار می‌شوند. لذا باید با دقت، شرایط و مقدمات تحقق سنن را احصا کرد تا بتوان براساس آن، حتمیت جاری شدن سنت و زمان آن را برآورد کرد؛ در غیر این صورت، در نگاه ابتدایی نمی‌توان به کنه این‌گونه امور پی برد.

و) تحقق سنن الهی در یک چارچوب خاص

سنن الهی یک چارچوب و شرایط مشخصی برای تحقق دارند و تحت همان شرایط خاص، تحقق پیدا می‌کنند که با نام ویژگی‌ها و قوانین خاص تحقق هر سنت می‌توان از آنها نام برد. طبق آیه « قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا » (طلاق/۳)، خداوند برای همه موجودات، قدر و حدود خاصی مشخص فرموده است که در چارچوب همان حدود مشخص خود قرار دارند. یکی از همین اشیا، سنت الهی است که خداوند برای آن، حد و قدر مشخصی تعیین فرموده است و جاری شدن آن سنت در همین حدود مشخص است که برای آن سنت قرار داده شده است و تا آن حد و حدودش تحقق پیدا نکند، آن سنت جاری نمی‌شود و با تحقق آن شرایط، تحقق سنت نیز حتمی می‌شود.

در برخی از روایات، نکات جالبی در معرفی حد و حدود و شرایط تحقق برخی از سنن الهی بیان شده است. در اینجا به یک روایت اشاره می‌کنیم:



علی بن ابراهیم روایتی نقل می‌کند از شخصی که گفت، از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که دو آیه در کتاب خدا وجود دارد که هر چه جست و جو می‌کنم، تحقق پیدا نمی‌کند. حضرت فرمود: آن دو آیه چیست؟ عرض کردم، این آیه که می‌فرماید: «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را». ما خدا را می‌خوانیم و دعا می‌کنیم، در حالی که اجابتی نمی‌بینیم. حضرت فرمود: آیا تا به حال دیده‌ای که خداوند خلف وعده کند؟ گفتم: نه. فرمود: پس علت چیست که می‌خوانید و اجابت نمی‌شوید؟ گفتم: نمی‌دانم. فرمود: اما من می‌گویم. هر کس که خداوند را در آنچه که امر فرموده است، اطاعت کند، سپس از جهت دعا او را بخواند، خداوند او را اجابت می‌کند. پرسیدم: جهت دعا چیست؟ فرمود: شروع می‌کنی به حمد خداوند، سپس نعمت‌هایی که به تو داده است را یاد می‌کنی، سپس شکر او را به جا می‌آوری، بعد از آن بر پیامبر درود می‌فرستی، سپس گناهانت را به یاد آورده و به آنها اقرار می‌کنی، سپس (از خداوند) در برابر گناهانت پناه می‌خواهی. این (موارد)، روش و طریقه دعا است. سپس فرمود: آن آیه دیگر چیست؟ گفتم: این کلام خداوند که می‌فرماید: «هر آنچه انفاق کردید عوضش را خدا می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است.» همانا من انفاق می‌کنم، اما عوضی نمی‌بینم. فرمود: آیا دیده‌ای که خداوند خلف وعده کند؟ گفتم: نه. فرمود: پس علت چیست؟ گفتم نمی‌دانم. فرمود: اگر کسی از شما، مال را از طریق حلال کسب کند و آن را در مسیر حلال انفاق کند، هیچ درهمی انفاق نمی‌کند، مگر آنکه عوضش داده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۸۶).

این روایت به خوبی اشاره دارد بر آنکه سنن الهی، چارچوبی برای جاری شدن دارند و تحقق پیدا کردن آنها، شرایط و مقدماتی دارد که تا آن شرایط تحقق پیدا نکنند، این سنن جاری نمی‌شوند. لذا در احصای سنن، باید خیلی دقت کرد و شرایط و ویژگی‌های خاص هر سنت را به طور کامل و دقیق به دست آورد و موانع تحقق آنها را تعیین کرد. حال اگر شرایط تحقق هر سنت به دقت مهیا شود، آن سنت، قطعاً تحقق خواهد یافت و حتمی می‌شود. بنابراین، شناخت این شرایط خاص و ویژگی‌های خاص هر یک از سنن، در تشخیص آن و نحوه تحقق‌شان بسیار مهم است.



ز) آموختنی بودن سنن الهی

اینکه خداوند در قرآن، تا این حد به بیان سننی که در مورد گذشتگان جاری شده، پرداخته است و در جای جای قرآن (مانند فاطر/۴۳-۴۴ و آل عمران/۱۳۷) به بررسی سنت‌های آنها توصیه فرموده و از ما خواسته است که در زمین سیر کنیم و به سنت‌هایی که در مورد گذشتگان پیاده شده است، توجه کنیم، همه اینها دلالت بر آن دارند که سنن الهی، قابلیت آموختن و یادگیری داشته، می‌توان آنها را مورد بررسی قرار داد و تبیین و تدوین کرد، تا بتوان آنها را در زمینه‌های مختلف به کار برد و براساس آنها برای آینده برنامه‌ریزی کرد.

حتی در آیه‌ای دیگر این‌گونه می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء/۲۶)

خداوند می‌خواهد سنت‌های کسانی را که قبل از شما بودند، برای شما بیان کند و شما را به سنت‌های آنها هدایت کند و بر شما ببخشد و خدا دانای حکیم است.

در آیه فوق، جنبه تبیینی سنن تصریح شده است؛ خداوند می‌خواهد آن را برای ما تبیین و ما را به سمت آنها هدایت کند. به عبارت دیگر، سنن الهی ملموس هستند و می‌توان آنها را تجربه و در پرتو آنها قوانین علمی تدوین کرد؛ این قوانین به ما قدرت تحلیل و پیش‌بینی می‌دهند.

ح) تعامل سنن الهی با یکدیگر

از جمله ویژگی‌های سنن الهی، تعامل آنها با یکدیگر و ارتباطی است که با هم دارند. سنن الهی در حقیقت، مجموعه قوانینی هستند که همگی در یک مسیر و به سمت یک جهت جریان دارند که همان هدایت انسان و به کمال رسانیدن او و تحقق عبودیت خداوند در عالم است. لذا در این مسیر و جهت، سنن الهی با هم ارتباط دارند و در تعامل با یکدیگرند. ویژگی ثابت بودن سنن الهی و عدم تغییر در آنها که در گذشته ذکر شد، سبب تراحم و تأثیر و تأثر متقابل بین سنن الهی می‌شود. چه‌بسا ممکن است سنتی از پیامد سنتی دیگر بکاهد و یا زمینه جریان آن را به کلی از بین ببرد و یا از بروز و ظهور پیامد خاص آن جلوگیری کند (رجبی، ۱۳۸۹). برای مثال، ممکن است یک سنت نسبت به سنت دیگر عام باشد و یا مقدمه تحقق سنت دیگر شود و در جاری شدن آن تأثیر بگذارد. همچنین شاید، برخی سنن، بر برخی سنن دیگر حاکم شوند و جریان آنها را تغییر دهند که البته این به معنای تبدیل و



تحویل نیست، بلکه ممکن است دو سنت وجود داشته باشد که یکی بر دیگری با توجه به شرایطی، حکومت داشته باشد. لذا لازم است به دقت، رابطه بین سنن و نحوه تعامل آنها را تبیین کرد. البته چنین تلاقی و تأثیر و تأثر، در مورد قوانین علمی نیز وجود دارد و هیچ‌گونه منافاتی با علمی بودن آن قوانین ندارد (رجبی، ۱۳۸۹).

در مورد حکومت یک سنت بر سنت دیگر، علامه برای مثال، در بیان سنت رزق می‌گوید: «آیه «وَلَكِنْ يُنَزَّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» (شوری/۲۷) بیان سنت الهی در روزی دادن براساس حال مردم است. می‌فرماید: صلاح حال مردم در اندازه ارزششان دخالت دارد. این با طغیانی که در بعضی ثروتمندان مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که روزبه‌روز ثروتمندتر می‌شوند، منافات ندارد؛ برای اینکه خدای تعالی غیر از آن سنت، سنتی دیگر نیز دارد که بر سنت قبلی حاکم است و آن، سنت آزمایش و امتحان است و درباره آن فرموده است: «أَنَّمَا أَمْوَالُكُمُ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (تغابن/۱۵). همچنین سنت سومی دارد که آن سنت مکر و استدراج است که در مورد آن می‌فرماید: «سَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أُمَلِي لَهُمْ إِنْ كَفَيْدِي مَتِينٌ» (اعراف/۱۸۲ و ۱۸۳)» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۵۷).

کلام علامه به روشنی نشان‌دهنده نحوه تعامل بین سه سنت «رزق»، «امتحان» و «استدراج» است. سنت رزق سنتی ابتدایی است که براساس آن، رزق مردم به اندازه‌ای که باعث صلاح آنها می‌شود، تقسیم می‌گردد. اما بعضی مواقع لازم است که انسان مورد آزمایش مال قرار گیرد که در این صورت، در مال او توسعه داده می‌شود و این مال سبب آزمایش او قرار می‌گیرد. در این هنگام است که سنت امتحان حاکم بر سنت رزق می‌گردد. اما در زمانی دیگر لازم است که اسباب گمراهی این انسان، فراهم شود و مبتلا به سنت استدراج گردد که در این حالت، خداوند آن قدر به او مال ارزانی می‌فرماید تا این انسان روزبه‌روز در گمراهی فرورفته، راه نجات نداشته باشد. در این حالت، سنت استدراج بر دو سنت دیگر حاکم می‌شود.

در روایات نیز مثال‌های زیادی از حکومت یک سنت بر سنت دیگر دیده می‌شود. برای مثال، صدقه دادن بلا را دور می‌گرداند که این بیانی از حکومت یک سنت بر سنت دیگر است. کشف تعامل بین سنن الهی، از طرفی، مهم و جالب است و از طرف دیگر، بسیار سخت و دقیق. لذا باید دقت و بررسی زیادی در این زمینه مبذول داشت.



در نمودار ۳ ویژگی‌های مشترک سنن الهی به عنوان قوانین عام حاکم بر آنها، نشان داده شده است.



نمودار ۳. ویژگی‌های سنن الهی

سنت‌اندیشی: چارچوب شناختی-هنجاری نوین در هستی‌شناسی و روش‌شناسی نظام انقلابی

با توجه به نکاتی که در ادبیات تحقیق در مورد ماهیت و چیستی سنن الهی بیان شد، در این بخش می‌خواهیم به این نکته پردازیم که می‌توان چارچوب شناختی-هنجاری بی‌بدیلی مبتنی بر سنن الهی در تبیین پدیده‌ها ارائه داد که این چارچوب، تبیین بسیار دقیق‌تری از پدیده‌ها و برآورد آینده آنها ارائه می‌دهد. چارچوب شناختی-هنجاری، مجموعه‌ای از آموزه‌های کلی حاکم از هستی یا نیستی و خوبی یا بدی است که می‌تواند مبنایی برای نظریه‌پردازی و روش یا شیوه عمل و همچنین مبنایی برای سیاست‌گذاری قرارگیرد (تقوی، ۱۳۹۱). این چارچوب شناختی-هنجاری، «سنت‌اندیشی» معرفی می‌شود. در واقع، سنت‌اندیشی، نمونه‌ای از چارچوب شناختی-هنجاری است که طبق آن جهان مجموعه‌ای از قوانین دقیق و محاسبه‌پذیر تلقی می‌شود که می‌توان در پرتو آنها، تبیین دقیق‌تری از پدیده‌ها و آینده آنها



داشت. همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، سنت‌های الهی، قوانینی هستند که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است و از طریق آنها، تدبیر خود را در عالم تکوین، جاری می‌سازد. استخراج، شناخت و تبیین این قوانین، می‌تواند به ما در تحلیل و تبیین آینده و همچنین ساختن آن کمک کند. از این رو ادعا می‌شود که می‌توان سنت‌اندیشی را به منزله چارچوب شناختی - هنجاری نوین مد نظر قرار داد. براساس این چارچوب، می‌توان پدیده‌ها و آینده‌های آنها را بهتر و بعضاً دقیق‌تر، تبیین کرد و در تحقق آن، از سنن الهی کمک گرفت. در مورد امکان لحاظ سنت‌اندیشی به عنوان یک چارچوب شناختی - هنجاری باید گفت که با توجه به بحث مفصلی که درباره ویژگی‌های سنن الهی با عنوان قوانین و قواعد عام حاکم بر سنن الهی صورت گرفت، تا حدی این مطلب قابل اثبات است. از آنجایی که سنن الهی حتمی و قطعی است و با توجه به عمومیت و استمراری که در سنن الهی وجود دارد و همچنین تبیین آنها توسط خداوند متعال و ویژگی آموختنی بودن آنها، می‌توان مبتنی بر سنن الهی، تخمینی دقیق‌تر از یک پدیده و آینده آن داشت. البته این به شرطی تحقق پیدا خواهد کرد که بتوان تبیین جامع و دقیقی از شرایط ویژه و چارچوب خاص تحقق هر یک از سنن الهی داشت. به بیان دیگر، باید بتوان سنن الهی را با شرایط و مقدمات تحقق آنها به نحو دقیق تبیین کرد. همچنین عدم تنافی سنن الهی با اختیار انسان، ویژگی مهمی در تحقق بخشیدن و جاری کردن سنن الهی است. به عبارتی، از آنجایی که غالب سنن الهی در ساختار سنن مقید ارائه شده‌اند و از طرفی، سنن مطلق به عنوان تصاویر محتمل از آینده وجود دارد، به روشنی می‌توان حدود اختیارات انسان و آینده‌های تغییرپذیر و غیرقابل تغییر را مشخص کرد. تحول در چارچوب شناختی - هنجاری منجر به ظهور شیوه‌های عمل یا روش‌های متفاوت می‌شود. سنت‌اندیشی مبنای نظریه‌پردازی و روش یا شیوه تحلیل و عمل است. مبتنی بر این چارچوب جدید، می‌توان تحلیل‌های عمیق‌تر و جامع‌تری داشت و همچنین روش‌های دقیق‌تری طراحی و حتی روش‌های موجود را تقویت کرد.

دلالت‌های زیبایی را می‌توان بر حوزه‌های دانشی گوناگون از چارچوب سنت‌اندیشی ارائه داد. این چارچوب، همچنین دلالت‌هایی جدی بر مبانی علوم از جمله معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی دارد. به عبارتی، مبتنی بر این چارچوب، هستی‌شناسی کاملاً مورد تحول قرار می‌گیرد و همچنین در حوزه روش‌شناسی، تأثیرات شگرفی بر روش‌های رایج می‌گذارد. در ادامه، به برخی از این دلالت‌ها اشاره می‌شود:



۱. دلالت‌های چارچوب سنت‌اندیشی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی

«زمین بازی خود را بشناس. در غیر این صورت، ممکن است بازی بخوری تا آنکه بازی بکنی»
- از آنجایی که ما سنن الهی را قوانینی می‌دانیم که خداوند بر عالم خلقت حاکم فرموده است، لذا نگاه ما به عالم هستی و خلقت، بسیار تغییر پیدا می‌کند. در این معنا، عالم هستی مملو از قوانینی است. خداوند بر هستی و عالم تکوین حاکم فرموده است. این قوانین، نظام تدبیر خداوند را شکل می‌دهند و عالم هستی مبتنی بر نظام تدبیر خداوند در حرکت است.
- مبتنی بر این نگاه، امر الهی در نظام خلقت از مجرای نظام سنت‌های الهی جاری و ساری می‌شود.

- این قوانین الهی، به مانند قوانین بشری اعتباری نیستند؛ بلکه قوانینی حقیقی و عینی و مطابق با حق و حقیقت هستند که جریان دارند؛ هرچند ما چشمانمان را بر روی آنها بیندیم و بدون لحاظ آنها، بخواهیم حرکت کنیم.

- با این نگاه به عالم هستی، می‌توان گفت که ماهیت هستی و عالم تکوین تغییر پیدا می‌کند و تحت حاکمیت مالک مطلق قرار می‌گیرد که هیچ شریکی نداشته و تدبیر و ربوبیت مطلق عالم در اختیار اوست و «فعال ما یشاء» است (هود/۱۰۷) و هیچ چیز جلودار او نمی‌تواند باشد. در نتیجه مبتنی بر این چارچوب، هستی و عالم خلقت بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر شناخته می‌شود و استفاده و تعامل با آن نیز دقیق‌تر و هوشمندانه‌تر صورت می‌گیرد.

- در این نظام، تدبیر انسان در چارچوب تقدیر خداوند تعریف می‌شود و این‌طور نیست که رها شده باشد و هر کاری که بخواهد، بتواند انجام دهد. لذا هرگونه تلاش و کید و مکرری انجام دهد تا بتواند بیرون از این نظام و خارج از این چارچوب حرکت کند، ممکن نخواهد بود (ابراهیم/۴۶ و نمل/۵۰).

- در این نگاه، نه تنها عالم هستی، بلکه تمام ذرات آن بسیار هوشمند عمل می‌کنند و مبتنی بر قوانینی که توسط خداوند برای آنها تعریف شده است، در حرکت‌اند. می‌توان برای تقریب به ذهن این‌گونه گفت که سنن الهی به مانند سیستم عامل رایانه خلقت عمل می‌کند و آن چیزی که این رایانه خلقت را به حرکت در می‌آورد و اثربخش می‌گرداند، سنن الهی است. لذا می‌گوییم هستی با توجه به لحاظ سنن الهی در آن، بسیار هوشمند عمل می‌کند. کافی است که آن را تجربه کنید.



- در این چارچوب، مبتنی بر ایمان و باور فرد، هر مقدار که شناخت وی از این قوانین بیشتر باشد، به شکل کامل تر و در سطحی عمیق تر می تواند از این قوانین استفاده کند. بنابراین، طبیعتاً سطح معرفت و شناخت معصوم (علیه السلام) و به دنبال آن، استفاده و نفوذ او در این قوانین نسبت به انسان های دیگر بیشتر است.

- سنن و قواعد تکوینی خلقت، قوانینی کلی نیستند که قابل تجربه نباشند؛ بلکه مبتنی بر آیات قرآن هستند، این قوانین بسیار ملموس بوده، قابل تجربه اند. در آیات گوناگونی از قرآن کریم به گشتن بر روی زمین و دیدن قوانین الهی توصیه شده است (روم/۴۲).

- یکی دیگر از آثار چارچوب سنت اندیشی بر هستی شناسی این است که مبتنی بر سنن الهی، عالم ماده با عالم معنا ارتباط پیدا می کند. در این نگاه، هستی صرفاً محدود به این عالم ماده نیست، بلکه این عالم، ظهوری کوچک از عالم معنا و حقیقت می شود و این دو به شدت در تحلیل ها و بررسی ها به هم گره می خورد. به عبارت دیگر، در این نوع هستی شناسی، عالم هستی یک عالم بریده شده و منقطع از سایر عوالم لحاظ نمی شود؛ بلکه عالمی دیده می شود که در تعامل بسیار شدیدی با سایر عوالم بوده، تحت تأثیر آنها قرار دارد.

- مبتنی بر این چارچوب، علل اثرگذار در یک پدیده و روابط علی - معلولی تعریف شده برای آن، محدود در علل و روابط مادی نیست، بلکه بسیاری از علل معنوی نیز هستند که اثرگذار در یک پدیده بوده، در تحلیل ها باید مورد بررسی قرار گیرند. در سلسله علل از ذات مقدس باری تعالی تا عرصه دنیا همه عوامل و علل به هم مرتبط و در کارند تا در صحنه زمین اتفاقی بیفتد که در عالم بالا و مبتنی بر عمل ما انسان ها تدبیر شده است. در این سلسله علل هیچ کدام از رتبه ها را نمی توان نادیده گرفت و دروغ خوانند. مسئله در اینجا رتبه آن علت و به تبع، تأثیر آن در کل نظام خلقت است. برای مثال، اگر شیوع بیماری های جدید در اصل، نتیجه رواج گناهان جدید باشد (کلینی، ج ۲: ۲۷۵)، در این تبیین، نقش ویروس و عواملی از این دست نادیده گرفته نشده و انکار نمی شود، اما امر بیماری تنها منحصر به آن دانسته نمی شود (همايون، ۱۳۹۸: ۸۲).

- تأثیرگذاری عوامل معنوی در این نگاه، از جمله دخالت ملک، جن و شیاطین در عالم ماده و تأثیرات آنها در عالم ماده، در تحلیل های مبتنی بر این نوع نگاه، بسیار جدی می شود. در این نگاه، ملک به عنوان تدبیرکننده امر خداوند لحاظ می شود (نازعات/۵) و امر الهی در نظام خلقت از مجرای نظام سنت های الهی جاری و ساری می شود.



- ماهیت زمان در این چارچوب متفاوت می‌شود. زمان خود مخلوقی از مخلوقات خداوند تلقی می‌شود که بر آن، قوانینی حاکم است. با شناخت این قوانین می‌توان درک خود از زمان و نوع تعامل با آن را تغییر داد.

- در این چارچوب شناختی - هنجاری که از عالم خلقت بیان شد، این‌گونه نیست که انسان «فاعل مایشاء» باشد و هر کار که بخواهد، بتواند انجام دهد. در این نگاه، انسان همان‌طور که ذکر شد، در چارچوب تقدیر و اراده خداوند در حرکت است و تدبیر او در همین چارچوب، تعریف می‌شود.

- انسان در این چارچوب، فاعل مختار است، اما نه اختیار محض، بلکه اختیار تعریف‌شده. بدین‌معنا که اختیار انسان در یک چارچوب تعریف‌شده و محدود وجود دارد که براساس سنن مطلق و مقید تعریف می‌شود. برای مثال، نمی‌تواند مرگ را به طور کلی از خود دور گرداند؛ زیرا آن سنتی از جانب خداوند و آینده‌ای قطعی و مقدر برای اوست (عنکبوت/۵). اما در عین حال، می‌تواند زمان آن را جابه‌جا کند. لذا می‌گوییم انسان در انجام دادن افعال خود اختیار دارد، ولی اختیار تعریف‌شده در یک چارچوب مشخص و معین و این‌طور نیست که اختیار محض باشد و از طرفی، جبر محض هم نیست، بلکه امری است بین این دو امر. - از طرف دیگر، جالب اینکه خلقت خود انسان نیز در یک چارچوب و قوانین مشخصی صورت گرفته است (سنن مرتبط با خلقت نوع انسان) که هیچ تغییری در آن راه نمی‌یابد (روم/۳۰). از جمله اینکه انسان براساس یک نوع خلقت خاص با عنوان «فطرت» خلق شده است (روم/۳۰)؛ خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین قرار داده شده است (بقره/۳۰) و براساس یک شاکله عمل می‌کند (اسراء/۸۴).

در نتیجه، مبتنی بر چارچوب سنت‌اندیشی، هستی و عالم خلقت بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر شناخته می‌شود و استفاده و تعامل با آن نیز دقیق‌تر و هوشمندانه‌تر صورت می‌گیرد.

۲. دلالت‌های چارچوب سنت‌اندیشی بر معرفت‌شناسی و روش‌شناسی

- در چارچوب سنت‌اندیشی، منابع کسب معرفت تنها محدود به حس و تجربه نیست؛ بلکه استفاده از سایر منابع معرفتی، به ویژه وحی نیز شاخص و متبلور است. ممکن است برخی از قوانین حاکم بر خلقت را بتوان به طور تجربی کشف کرد، همان‌طور که در خیلی از علوم



تجربی این اتفاق افتاده است؛ ولی ما مبتنی بر وحی می‌توانیم این قوانین را به نحو دقیق‌تر و جامع‌تر بشناسیم و استخراج کنیم.

- مبتنی بر چارچوب سنت‌اندیشی می‌توان به یک روش‌شناسی دقیق‌تر دست یافت که از آن در حوزه‌های دانشی گوناگون استفاده می‌شود. این چارچوب روش‌شناسی، «سنت‌پژوهی» است که شناخت پدیده‌ها و تبیین آنها در نظام سنن الهی و روابط علی - معلولی مبتنی بر آنها تعریف شده است. «سنت‌پژوهی» به پژوهش در سنت‌های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، طبقه‌بندی آنها و تبیین چگونگی و نحوه مرآده سنن با یکدیگر، در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده گفته می‌شود (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶). مزیتی که استفاده از این نوع روش‌شناسی دارد، جامعیت در تحلیل است. به عبارتی، در این نوع روش‌شناسی، همه سنن الهی مرتبط با مساله و موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نمودار ۴، گام‌های سنت‌پژوهی نشان داده شده است.



نمودار ۴: گام‌های روش سنت‌پژوهی

- این چارچوب برای سایر روش‌ها نیز می‌تواند دلالت‌هایی داشته باشد. می‌توان از سنن الهی در عمق‌بخشی سایر روش‌ها استفاده کرد و با تلفیق آن با سایر روش‌ها، دقت آنها را افزایش داد. برای مثال، می‌توان به روش پویایی‌شناسی سیستم‌ها اشاره کرد که روابط علی - معلولی را در تبیین پدیده‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. با استفاده از سنت‌اندیشی و در نظر گرفتن نظام سنن الهی، می‌توان این روابط را در سطوح عمیق‌تر (و نه تنها محدود به علل و روابط مادی) و به شکلی جامع‌تر بررسی کرد. همین نکته را می‌توان در روش تحلیل لایه‌ای



علت‌ها نیز بیان کرد که به عنوان یک روش بنیادین در بررسی علل پدیده‌ها در آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان با اضافه کردن یک سطح به سطوح لایه‌ای این روش که در چارچوب سنن الهی، روابط علی - معلولی را تحلیل می‌کند، پدیده مورد بررسی را دقیق‌تر و جامع‌تر تحلیل کرد. در نتیجه، مبتنی بر آن سناریوهای تعریف‌شده نیز غنی‌تر می‌شوند. بنابراین برای بررسی یک پدیده در سطح علت - معلول، نه تنها علل و عوامل مادی، بلکه علل و عوامل معنوی نیز باید مورد تحلیل و تبیین قرار گیرند. این بدین معنی است که در تعامل با پدیده پیش‌آمده نمی‌توان صرفاً بر یک لایه از علل متمرکز شد و با اصلاح آن، مسئله را حل کرد.

ندیدن چارچوب شناختی - هنجاری و عدم بدیل‌اندیشی در خصوص آن خطرناک است و چه بسا از روش‌ها و شیوه‌های عمل متفاوت، محروم شویم.

ضرورت سنت اندیشی در گام دوم انقلاب

همان‌طور که در تعریف سنت گفته شد، سنن الهی مجرای تحقق اراده الهی‌اند؛ یعنی امر خداوند از طریق این سنت‌ها، در نظام خلقت جاری و ساری می‌شود. به تعبیر عامیانه، می‌توان سنن الهی را به قواعد ناظر بر سیستم عامل رایانه «سامانه آفرینش» تشبیه کرد؛ که براساس قوانین سیستم عامل سنن الهی کار می‌کند. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آنها باعث می‌شود که انسان با سامانه آفرینش هماهنگ شود و اراده او بر مدار حق و مشیت الهی قرار گیرد و هماهنگ با اراده خداوند شود و در نتیجه، فعالیت و تلاش او ثمره لازم را داشته باشد، زیرا در این حالت، عوامل مادی مطابق با عوامل معنوی و در راستای آن قرار می‌گیرند و در نتیجه، فعل انسان از قدرت و اراده خداوندی اعتبار می‌گیرد که در نهایت، صلاحیت استقرار و بقا می‌یابد. سنن الهی، قواعد حرکت در این عالم را طراحی کرده، نشان می‌دهند که موفقیت در این عالم، در پرتو شناخت سنن الهی و حرکت مبتنی بر آنهاست و بدون در نظر گرفتن آنها نمی‌توان این عالم را با موفقیت، در جهت دستیابی به هدف وضع شده برای آن، طی کرد. بنابراین، اگر در بحث از تمدن‌سازی و تحقق تمدن نوین اسلامی و همچنین طی کردن گام دوم انقلاب اسلامی، به سنن الهی توجه نشود، غفلت بسیار بزرگی رخ داده است. در واقع، گویا بدون طراحی زمین بازی، اقدام به بازی شده است.

علوم اجتماعی تلاش دارند تا با مطالعه رفتار انسان، در چارچوب اجتماع، به برخی از قانون‌مندی‌های کلی و جهان‌شمول دست یابند تا از طریق آنها به فهم، پیش‌بینی، تبیین و کنترل رفتارهای اجتماعی بشر قادر شوند. در واقع، کشف قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی انسان از اهداف مهم علوم اجتماعی و انسانی است؛ قوانینی که کلیت و ثبات بیشتر و توان تبیین رفتارهای کلی انسان را داشته باشند. بررسی سنت‌های الهی ما را قادر می‌سازد تا قوانین و نظام حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی، روند آنها را پیش‌بینی کنیم. همچنین با بررسی آنها رخدادهای اجتماعی را تحت کنترل در آوریم. از طرف دیگر، اهمیت این قوانین در این است که می‌توانند نگرش‌های محققان علوم اجتماعی را تصحیح کرده، پیش‌فرض‌های ذهنی آنها را بازسازی کنند و آنها را در مواجهه با پدیدارهای اجتماعی توانمند سازند تا با دستیابی به قوانین درست‌تر و کلی‌تر، بهتر بتوانند به تبیین، پیش‌بینی و کنترل واقعیت‌های اجتماعی بپردازند.

سنت‌اندیشی بر تعامل جدی بین عالم ماده و عالم معنا تأکید دارد و مسائل را در چارچوب جامع‌تری در مقایسه با سایر رویکردها تحلیل می‌کند. طبق این رویکرد، قوانین علی - معلولی، محدود به سطح عالم ماده و محسوسات نیستند و خیلی از علل دیگری که در عالم وجود دارد و قابل حس نیست را نیز در چارچوب تحلیلی خود داخل می‌کنند. اینکه چطور یک تمدن شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و به یک تمدن غالب و چشمگیر تبدیل می‌شود، و چطور همان تمدن دچار افول و سقوط می‌شود، مبتنی بر یکسری قوانین دقیقی است که در این رویکرد می‌توان آنها را به شکل جامع مورد توجه قرار داد.

لذا در گام دوم انقلاب که به مثابه دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و فصل جدیدی برای زندگی جمهوری اسلامی به حساب می‌آید، می‌توان بر اساس قوانینی که خداوند تعریف فرموده است و در چارچوب آنها، این مسیر را هرچه بیشتر با موفقیت طی کرد. بدیهی است در صورت عدم توجه به این قوانین و حرکت برخلاف آنها، علاوه بر عقب افتادن و دور شدن از دستیابی به نقطه مطلوب و اهداف و آرمان‌های تعریف شده انقلاب - از جمله آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست - چه بسا ممکن است با انجام برخی اقدام‌های نادرست، به طور کلی از صحنه بازی و اقدام حذف شویم. لذا با لحاظ کردن سنن الهی در طی کردن گام دوم انقلاب، می‌توان آن را با موفقیت به سرانجام رساند.



نتیجه گیری

در این تحقیق بعد از بیان ادبیاتی نو در ماهیت، چیستی و انواع سنن الهی، نشان داده شد که سنن الهی از ظرفیت دانشی و معرفتی قابل توجه برخوردار است که در تمام زمینه‌های علوم اجتماعی می‌تواند بسیار مفید واقع شود. در همین زمینه، سنت‌اندیشی به عنوان چارچوب شناختی - هنجاری جدید در حوزه علوم اجتماعی و همچنین در تبیین و بررسی پدیده‌ها ارائه شد. این چارچوب دلالت‌های جدی بر مبانی علوم اجتماعی از جمله هستی‌شناسی و روش‌شناسی داشته، تأثیرات جدی بر مباحث گوناگون در این حوزه دارد. به نوعی این چارچوب، زمین بازی را طراحی و تعریف می‌کند که بدون لحاظ آن، نمی‌توان موفقیت‌های مدنظر را کسب کرد. بدون لحاظ این چارچوب، صحبت از تمدن‌سازی، تحقق تمدن نوین اسلامی و همچنین طی کردن گام دوم انقلاب ابتر به نظر می‌رسد؛ زیرا در این حالت بدون شناخت زمین بازی، شروع به بازی کرده‌ایم که بدهی است نمی‌توان در این حالت بازی را برد. بلکه بعد از شکست‌های متوالی، در نهایت، از صحنه زمین بازی حذف خواهیم شد. در ادامه نیز سنت‌پژوهی به عنوان روشی نوین در استفاده از سنن الهی برای تبیین و تحلیل وقایع و پدیده‌ها به طور مستقل و همچنین در ترکیب با سایر روش‌ها ارائه شد. اگرچه ارائه یک روش، نیازمند تجربه در عرصه عمل و اجراست و تا زمانی که تجربه اجرایی و حل مسئله وجود نداشته باشد، در حد ایده اولیه است؛ با این حال، می‌توان سنت‌پژوهی را به عنوان یک روش در چارچوب سنت‌اندیشی مطرح کرد. باید گفت ندیدن و عدم لحاظ چارچوب شناختی - هنجاری جدید و عدم بدیل‌اندیشی در خصوص آن، این خطر را در پی دارد که از روش‌ها و شیوه‌های عمل متفاوت، محروم شویم.

گفتنی است ارائه و بدیل‌اندیشی در سطح چارچوب شناختی - هنجاری و سیاست‌گذاری و طراحی روش و روش‌اندیشی براساس چارچوب غیر رایج، از یک طرف، ممکن است ده‌ها سال و بلکه چند قرن طول بکشد و از طرفی، چنین چیزی به نوعی، ایمان و باور نیاز دارد. اما از آنجایی که ضرورت لحاظ چارچوب سنت‌اندیشی براساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) اثبات می‌شود، ایمان ما را در امکان استفاده از این چارچوب و ضرورت به کارگیری آن افزایش می‌دهد. افزایش باور و ایمان به وجود این قوانین الهی و شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر آنها، توانایی، احاطه و تسلط ما را در استفاده از آنها افزایش می‌دهد. به عبارتی، هر قدر باور ما به وجود این قوانین و شناخت ما نسبت به آنها بیشتر باشد، استفاده و بهره‌ما از آنها نیز فزونی می‌یابد.

منابع

- قرآن کریم

- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجره.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵)، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- افضل علی رضا، علی اصغر پورعزت، غلامرضا گودرزی (۱۳۹۶)، «سنت پژوهی مهدویت: رویکردی نوین به آینده مهدویت»، مشرق موعود، ش ۴۴، زمستان.
- اکبری، رضا و همکاران (۱۳۹۴)، طرح پژوهشی سنن الهی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- بحرانی، ه. (۱۴۲۸)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات.
- بیاری، علی اکبر (۱۳۸۶)، «سنت‌های الهی معطوف به آینده جهان»، مشرق موعود، ش ۱.
- تقوی، مصطفی (۱۳۹۱)، «دو سطح بدیل اندیشی برای تکنولوژی، روش شناسی علوم انسانی»، س ۱۸، ش ۷۳، زمستان.
- رجبی، محمود (۱۳۸۹)، «پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن»، معرفت فرهنگی - اجتماعی، س ۲، ش ۱، زمستان.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، سنت‌های تاریخ در قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۰۳)، احتجاج، مشهد مقدس: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرادخانی احمد (۱۳۹۴)، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.



- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، عدل الهی، قم: نشر صدرا.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۸)، چهلستون تمدن، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).



